

تعمیمات محاکم

رویه قضائی

نسبت به معتبر بودن ابلاغ واقعی حکم جزائی به محکوم غایب

مربوط بحقوق و مصالح عمومی است بطریق اولی ابلاغ واقعی را لازم میدانند .

زیرا همانطور که يك نفر متهم بنام مصلحت عمومی تعقیب میشود همان طور بنام احترام آزادی افراد و امنیت حقوقی نمیتوان یک نفر را بدون رعایت مقررات قانون و اصول کلی محکوم و مجازات کرد .

منخصوصاً رعایت حفظ احترام آزادی افراد همواره مورد نظر قانون گذار در امور جزائی بوده و بهمین جهت در مورد دعوی حقوقی وقتی مدعی علیه با ابلاغ احضاریه در وقت مقرر حاضر نشود اجازه رسیدگی غیابی داده لیکن در امور جزائی هر گاه متهم پس از ابلاغ احضاریه حاضر نشد اجازه رسیدگی غیابی نداده بلکه در صورت لزوم حضور متهم دستور صدور ورقه جلب داده برای آنکه متهم باید شخصاً حاضر شده و از خود دفاع کند و تنها ماده ۳۱۵ اصول محاکمات جزائی اجازه داده در موردیکه محکمه حضور شخص متهم را لازم نداند و امر از اموری باشد که محکمه بتواند در غیاب متهم رسیدگی نماید رسیدگی کرده و حکم غیابی میدهد و متهم در موعد مقرر حق اعتراض دارد - در غیر این مورد محکمه جز جلب او تکلیف دیگری ندارد .

و از همین نقطه نظر ابلاغ حکم غیابی جزائی اصولاً از وظایف محکمه شناخته شده که نباید بشخص محکوم ابلاغ کنند یا بوسیله ابلاغ باهل خانه و کسان او

در اصول محاکمات جزائی ماده صریحی راجع بکیفیت ابلاغ احکام جزائی نیست و تنها تبصره ماده ۲۱۹ قواعد تبلیغ احضار در امور جزائی را تابع مقررات اصول محاکمات حقوقی دانسته و در ۱۳۲۷ ر ۱۳ تبصره مذکور بدین نحو اصلاح شده که : قواعد تبلیغ احضار در امور جزائی و ابلاغ احکام در امور جنحه همان است که در قوانین محاکمات حقوقی مقررات است

ماده ۲۵۴ اصول محاکمات آزمایش در مورد ابلاغ حکم غیابی به محکوم ابلاغ واقعی را معتبر میدانند . منظور قانون گذار از قید کلمه (واقعی) در ابلاغ حکم غیابی اطلاع یافتن محکوم است از مفاد حکم خواه از طریق ابلاغ حکم بشخص او و خواه بتوسط کسان و اهل خانه او باشد و تنها ملاک این نوع ابلاغ اطلاع محکوم است از مفاد حکم .

از این بیان و از قید این کلمه در قانون دو نکته استنباط میشود :

یکی آنکه ابلاغ در مطبوعات ابلاغ واقعی بشمار نمیرود زیرا چه بسا شخص محکوم و نه کسان او از مفاد حکم بوسیله مطبوعات مطلع نمیشوند .

دوم در جائیکه قانون گذار در امور حقوقی که صرفاً مربوط بحق و مصلحت فرد بوده ملاک در ابلاغ را ابلاغ واقعی میدانند در امور جزائی که مستقیم و غیر مستقیم

آثار دیگر حکم بوده که فردهم آن ابلاغ واقعی در احکام غیابی است.

دیوان عالی تمیز در حکم شماره ۲۷۴۲ مورخ ۱۲/۱۵/۸۱ که در این مورد صادر کرده مینویسد:

« طبق تبصره اصلاحی ماده ۲۱۹ اصول محاکمات جزائی و ماده ۲۵۴ اصول محاکمات حقوقی مبدء مهلت اعتراض از تاریخ ابلاغ واقعی مواد حکم غیابی بمحکوم علیه غایب شروع میشود و انتشار در مطبوعات را نمیتوان ابلاغ واقعی گرفت بنابراین قرار ممیز عنه (رد عرضال) باتفاق آراء مخدوش و نقض میشود... »

از مفاد حکم مطلع شود چه تنها اوست که باید علل و اسباب حکم محکومیت خود را بداند و نسبت بان تسلیم شود یا اعتراض کند.

بنابراین ابلاغ واقعی در احکام جزائی شرط اساسی صحت ابلاغ است و از تبصره اصلاحی ماده ۲۲۹ هم استنباط میشود که قانون گذار در تبیت ابلاغ احکام جزائی از احکام حقوقی ناظر بدلت قانونی و اعتراض نبوده چه این قسمت در قانون تسریع تصریح شده بلکه ناظر ومتوجه

